

## بدعت و راست‌کیشی در مسیحیت نخستین با نگاهی به نظرات والتر بائر<sup>۱</sup>

مهران رهبری

دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

شهرام پازوکی<sup>۲</sup>

استاد مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ایران

### چکیده

دین مسیحیت از دل شریعت سخت‌گیر یهود پدیدار شد و به تدریج راه خود را جدا کرد. نوشته‌های پدران کلیسا مؤید آن است که ایشان ضمن ترسیم ابعاد راست‌کیشی، سایر نظرات را بدعت می‌دانستند. ایشان دیدگاه خود را تنها خوانش صحیح از مسیحیت که منطبق بر تعالیم عیسی و رسولان بود، تلقی کرده و بر مبارزه با بدعت‌گذاران تأکید داشتند. روی کار آمدن حکومت مسیحی در قرن چهارم، دایره قدرت اصحاب کلیسا را بیشتر و عرصه را بر سایرین تنگ‌تر کرد. این باور که مسیحیت نخستین از تنوع و تکثر برخوردار نبوده و نظرات کلیسای روم تنها قرائت موجود و صحیح بوده است تا قرن گذشته در بین محققان مقبول بود. اما اوّل بار والتر بائر، پژوهشگر صدر مسیحیت، با نگارش کتابی این نظریه را مورد نقد قرار داد. وی با آوردن شواهد گوناگون کوشید تا در تعریف مسیحیت اولیه از منظر تاریخی و مستقل از دیدگاه‌های کلیسای کاتولیک تجدید نظر کند. بر مبنای تحقیقات او مسیحیت از ابتدا متنوع بوده و ما شاهد وجود «انواع مسیحیت» هستیم که کلیسای روم آنها را بر نتابیده و در پی گسترش نفوذ خود، سعی در از میان برداشتن دیگر عقاید داشت، امری که با مسیحی شدن امپراتوری روم سرعت بیشتری یافت.

### کلیدواژه‌ها

مسیحیت نخستین، راست‌کیشی، بدعت، پدران کلیسا، والتر بائر

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۴

۲. پست الکترونیک (نویسنده مسؤول): [Shpazouki@gmail.com](mailto:Shpazouki@gmail.com)

## مقدمه

پیدایش مسیحیت به عنوان یکی از بزرگترین ادیان جهان، نقطه عطفی در تاریخ بود، به نحوی که دامنه بسیار پهناور و نتایج عمیق به همراه داشت. سرآغاز مسیحیت اولیه به علت تغییرات فرهنگی فراگیر و اثر بر رشد سیاسی، اجتماعی و معنوی افراد بی‌شمار «یکی از چند انقلابی را در جهان پایه‌گذاری کرد که تا امروز دوام آورده است»<sup>۱</sup>

عیسای ناصری در میان دسته‌ها و فرقه‌های رقیب مختلف آن روزگار در فلسطین به دنیا آمد و مقدر بود یکی از پر رهروترین ادیان جهان را بنیان نهد. توانایی عیسی در گردآوری و جذب جمعیت‌های انبوه بهانه‌ای شد که کاهنان یهودی دست به تحریک زده و مقامات رومی را متقاعد سازند تا او را به اتهام شورش علیه حکومت بازداشت کنند. وی در یک دادرسی مختصر محکوم و سپس مصلوب شد. پس از عروج عیسی، پیروانش آموزه‌های او را منحصراً در میان یهودیان منتشر کردند. دعوت آنها در آن هنگام پیوستن به یک دین تازه نبود بلکه از همگان (اعم از یهودی و غیر یهودی) می‌خواستند که یهودی واقعی شده و از برکات مسیحایی برخوردار شوند. مسیحیان اولیه خود را پیروان یک دین جدید نمی‌دانستند، بلکه ایمان آنها در جهت این اعتقاد بود که عصر مسیحایی و نجات‌بخشی که جزو تعالیم یهود بود، سرانجام فرارسیده است و به همین علت یهودیت را کنار نگذاشتند.<sup>۲</sup>

اما تقریباً از دهه پنجاه میلادی، غیر یهودیان نیز به این آئین جدید که دیگر پایبند شریعت سخت‌گیر یهودی نبود، روی آوردند و در نتیجه تعداد مسیحیان غیر یهودی رو به افزونی گذاشت و در آن هنگام بود که جدایی مسیحیت از یهودیت آغاز شد.<sup>۳</sup> شواهد مؤید آن است که در اوایل قرن دوم و پس از جدایی مسیحیت از یهودیت، ده‌ها و شاید صدها جامعه کوچک مسیحی وجود داشت که هر یک مشغول شکل‌دهی به آموزه‌ها و روش‌های خود و فاصله‌گیری از آنچه پدران کلیسا آن را جریان اصلی<sup>۴</sup> مسیحیت می‌خواندند، بودند. این امر باعث شد پدران کلیسا به یکسان‌سازی عقاید و مناسک کلیسایی و انتقال آن موازین به همه مسیحیان در همه جا مبادرت کنند.<sup>۵</sup> ایشان بر اهمیت سلسله مراتب قدرت در درون

۱. Grant, Michael, *History of Rome*, New York, History Book Club, 1997, p. 342.

۲. Gonzalez, Justo L., *Story of Christianity*, New York, HarperCollins, 2014, Vol. 1, p. 20.

۳. اعمال رسولان، ۱۱: ۲۶.

۴. main stream

۵. ناردو، دان، *پیدایش مسیحیت*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۵، ص ۴۸.

سازمان کلیسایی تأکید داشتند و بر این اساس هر جامعه مسیحی باید یک پیشوای مقتدر و فراگیر می‌داشت که همان اسقف بود و وظیفه اصلی او غیر از نظارت بر محل‌های گردهمایی و میراث مؤمنان و اموال کلیسا، هماهنگ‌سازی عقاید و روش‌های مسیحی بود.<sup>۱</sup>

در آن ایام مسیحیان که جماعتی پراکنده و اندک بودند، همواره با فراز و نشیب‌هایی تحت پیگرد رومیان قرار می‌گرفتند. صحنه‌های خشونت‌آمیز پر دامنه با دوره‌های آرامش و امنیت نسبی نیز همراه بود تا اینکه در سال ۳۲۴ کنستانتین مسیحی امپراتور روم شد. در مدت حکومتش، کلیساهای جدید سر برآوردند، بر مزار شهدا آرامگاه ساخته، روحانیان از یارانه دولتی برخوردار و صلیب علامت سپاه روم شد.<sup>۲</sup> تا قبل از مسیحی شدن این امپراتوری، غالباً تأکید بر یافتن مشترکات بین مسیحیان بود اما بعدها و در زمان حکومت دینی، بیشتر تمرکز بر مبارزه با بدعت‌ها بود. کنستانتین با تشکیل شورای عالی اسقف‌ها در نیقیه در صدد فرصتی برای استحکام جایگاه کلیسا و یکسان‌سازی عقاید گوناگون مسیحی بود.<sup>۳</sup> پس از این وقایع، اسقف‌های مسیحی نفوذ زیادی در حکومت بدست آوردند که هم نوع پیروزی سیاسی بود و هم فرصتی برای اشاعه تعالیم دینی مدنظر ایشان. اما حقیقت آن است که مسیحیت در آن روزگار بر خلاف تمایل پیشوایش، از جهت معنوی یکپارچه و متحد نبود.<sup>۴</sup>

در این نوشتار در پی آن هستیم که ضمن تعریف راست‌کیشی و بدعت به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که موضع پدران کلیسا در این باره چه بوده است؟ آیا از ابتدای شکل‌گیری مسیحیت، باورمندان این دین یک عقیده واحد داشته‌اند یا شاهد تنوع عقیدتی بوده‌ایم؟ تأثیر استقرار حکومت دینی بر راست‌کیشی و بدعت چه بوده است؟ محققان عصر جدید در مورد راست‌کیشی و بدعت چه نظراتی دارند؟

## بدعت

واژه عربی بدعت از ریشه «بَدَع» به معنای نوآوری و پدید آوردن چیزی بدون آنکه از پیش

۱. Star, Chester G., *A History of the Ancient World*, New York: Oxford University Press, 1991, pp. 614-5.

۲. Freeman, Charles, *The World of the Roman*, New York, Oxford University press, 1993, pp. 162-3.

۳. روینستاین، ریچارد ای، *وقتی عیسا خدا شد*، ترجمه راضیه سلیم‌زاده، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۶، ص ۹۳.

۴. Gonzalez, pp. 136-7.

وجود داشته باشد، است<sup>۱</sup> و در اصطلاح مسیحی هر عقیده یا آموزه‌ای است که با اعتقادات، آداب، رسوم و عرف مستقر و عام به ویژه عقاید پذیرفته شده کلیسا مغایرت داشته باشد. این اصطلاح که معمولاً برای نقض آموزه‌های مهم دینی به کار می‌رود، با ارتداد<sup>۲</sup> به معنی ترک و خروج از دین و انکار صریح ضروریات آن یا کفرگویی<sup>۳</sup> که یک قول یا عمل توهین‌آمیز نسبت به خدا یا شخصیت‌های مقدس است، متفاوت می‌باشد.<sup>۴</sup>

واژه لاتین معادل بدعت در عرف مسیحیت یعنی *heresy* از واژه یونانی *haireisis* گرفته شده که در لغت به معنای انتخاب برای خود یا چیز انتخاب شده است و در مسیحیت به معنای گروه یا مکتب انتخابی یک فرد و مغایر حقایق دینی مقبول است.<sup>۵</sup> فریدریک شلایرماخر، الهی‌دان قرن نوزدهم میلادی، نیز آن را «چیزی که ظاهر مسیحیت را حفظ می‌کرد و در عین حال با ذات آن مغایرت داشت» تعریف کرد،<sup>۶</sup> امری که به معنای انکار حقیقت آشکار شده توسط کلیسا در نظر گرفته می‌شود.<sup>۷</sup>

#### راست‌کیشی

اصطلاح *orthodoxy* به معنای لغوی راست‌کیشی از ریشه کلمات یونانی *orthos* به معنای راستی و صحت و *doxa* به معنی عقیده و کیش، تشکیل گردیده است.<sup>۸</sup> براون این مفهوم را اینگونه تعریف می‌کند: «ایمان ارتدوکس و آموزه‌های راست‌کیشی آن دسته از عقاید هستند که به راستی و درستی امر خدا را احترام گذاشته و جلال می‌بخشند».<sup>۹</sup> کلمه راست‌کیشی در کتاب مقدس یافت نمی‌شود و این اصطلاح تا قرن چهارم مورد استفاده گسترده نبود و از آن

۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۵۴، ماده «بدع».

2. apostasy

3. blasphemy

4. Cross, Frank L.; Livingstone, Elizabeth A., eds., "Heresy", In *The Oxford Dictionary of the Christian Church*, third Edition, Oxford, Oxford University Press, 1997, p. 758.

5. Bruce, Frederick F., *The Spreading Flame: The Rise and Progress of Christianity from its First Beginnings to the Conversion of the English*, Exeter, Paternoster, 1964, p. 249.

6. Schleiermacher, Friedrich D. E., *The Christian Faith*, New York, Harper Torchbooks, 1963, Vol. 1, pp. 95-101.

7. Cross, p. 758.

8. Henn, William, "Orthodox", In *The New Dictionary of Theology*, edited by Joseph A. Komonchak et al., Wilmington, Glazier, 1987, p. 731.

9. Brown, Harold O.J., *Heresies: Heresy and Orthodoxy in the History of the Church*, Peabody, MA, Hendrickson Publishers, 1998, p. 1.

زمان در نوشته‌های بسیاری از پدران کلیسا چون اوسیبیوس<sup>۱</sup> (د. ۳۳۹) و آتاناسیوس<sup>۲</sup> (د. ۳۷۳) و همچنین در سوابق شوراهاى افسس و کالسدون یافت می‌شود. یکی از محققان معاصر در این زمینه می‌افزاید: «بنابراین راست‌کیشی نه فقط به معنای آموزه درست بلکه به معنای آموزه جهانی و فراگیر کلیسا است که در تقابل با بدعت تعریف شده است. این اصطلاح را به عنوان یک سنت خالص می‌نگریستند که به رشته ناگسستنی وثاقت انجیل عیسی و رسولانش متصل بود.»<sup>۳</sup>

### بدعت و راست‌کیشی در مسیحیت نخستین

قدمت اختلاف‌نظرها در مورد شخص عیسی و جنبش اولیه‌اش به چند قرن برمی‌گردد، اما کشفیات جدید مانند کتابخانه نجع حمادی و داده‌های تازه موضوعات را بسیار متفاوت‌تر از آنچه قبلاً می‌دانستیم به ما نمایانده است. این یافته‌ها که نقش ارزنده‌ای در دریافت سنت مسیحیت نخستین داشته‌اند، نشان می‌دهند که مسیحیت ممکن بود به صورت‌های گوناگون و بسیار متفاوتی شکل بگیرد و حتی ممکن بود مسیحیتی که امروزه می‌شناسیم با تمام مختصاتش، اکنون وجود نداشته باشد. عده‌ای تصور می‌کنند در ابتدای شروع مسیحیت شاهد دوره‌ای از آرامش و اتحاد در تاریخ کلیسا بوده‌ایم، اما این مدعا برخلاف اسناد و شواهد فراوان موجود در مجموعه عهد جدید است. برای درک بیشتر تنوع و تکثر این گروه‌های به اصطلاح بدعت‌گذاری که پدران اولیه کلیسا به آنها اشاره کرده‌اند، می‌توان به فهرستی که استفان هار<sup>۴</sup> آورده است، اشاره کرد: افرادی که بدعت‌گذاران را به این دلیل که دیدگاهشان به مذاق ایشان خوش نمی‌آمد، محکوم کرده بودند.<sup>۵</sup>

بارت اهرمن در خصوص طیف گسترده‌ای از ظهورات و نشانه‌های گروه‌های مختلف مسیحیت می‌نویسد: «به راستی چه چیزی می‌تواند متنوع‌تر از پدیده مسیحیت در دنیای مدرن باشد؟ در حقیقت، ممکن است پاسخی وجود داشته باشد: مسیحیت در جهان باستان. بسیاری از این اشکال کهن مسیحیت امروزه برای مردم در جهان ناشناخته است، زیرا سرانجام یا

1. Eusebius

2. Athanasius

3. Henn, p. 732.

4. Bets, Hans Dieter; Browning, Don; Jüngel, Eberhard; Janowski, Bernd; *Religion Past & present*, Boston, Brill, 2010, Vol. 8, p. 692.

5. Harr, Stephen, *Simon Magus: The First Gnostic?*, de Gruyter, 2003, pp. 232-3.

۶. پیگلز، الین، *انجیل‌های گنوسی*، ترجمه ماشاءالله کوچکی میدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی،

اصلاح شدند یا از آنها تنها نامی باقی ماند.<sup>۱</sup>

برخی پژوهشگران ضمن تأیید جریان‌های مختلف در صدر مسیحیت، آن را به خانواده‌ای که خواهران و برادران فراوان دارد، تشبیه کرده‌اند که تعداد آنها زیاد بوده و در عین حال نسبت به هم بی‌اعتماد بوده‌اند و یکدیگر را باعث سرشکستگی خانواده می‌دانسته‌اند به نحوی که گاهی ممکن است برادری به دیگری بگوید که تو [بدعت‌گذار هستی] اصلاً به این خانواده تعلق نداری.<sup>۲</sup> در این باره می‌توان از گروه‌هایی مانند ایونیان<sup>۳</sup> نام برد که عده‌ای از مسیحیان یهودی‌نژاد که به قوانین شریعت یهود سخت پایبند بودند و زندگی‌ای مبتنی بر ساده زیستی و ریاضت پیشه داشتند یا مونتانیان<sup>۴</sup> که تأکیدشان بر اظهارات خلسه‌آمیز و پیامبرگونه بود که طی آن، معتقدان خود را سرشار از روح‌القدس می‌پنداشتند یا باورمندان به مذهب تک‌سالاری که با عنوان مونارکی<sup>۵</sup> مشهور بودند و بر برتری خدا به عنوان یک شخص و موجودی غیرقابل تفکیک تأکید داشتند. مذهب آریانی<sup>۶</sup> نیز مکتب اعتقادی دیگری است که پیروان آن بر این عقیده بودند که پسر (عیسی) در واقع مخلوق پدر (خدا) است و دارای مقام الوهیت نیست و یا لاقل پدر بزرگ‌تر از پسر است.<sup>۷</sup> در این میان مهم‌ترین بدعت‌ها مذهب گنوسی بود؛ اصطلاحی که از قرن ۱۸ به بعد توسط پژوهشگران مدرن استفاده شده است. واژه گنوس مأخوذ از واژه یونانی gnōstikós می‌باشد که خود از ریشه هندو اروپایی gn-gno به معنی دانش و معرفت بوده و با know در انگلیسی و Jñāna در سنسکریت هم‌ریشه است.<sup>۸</sup> تا سال‌های اخیر مذهب گنوسی تنها از طریق آثار مخالفانش شناخته می‌شد که البته تصویری ضعیف و تحریف‌شده بود. اما به تازگی از طریق برخی تحقیقات و اکتشافات جدید مانند متون کتابخانه نجع حمادی بود که به تدریج تصویری واضح‌تر از این مذهب پدید آمد که تأثیر آن بر تاریخ دین در اواخر دوران باستان قابل توجه است. بیشتر مفهوم و

1. Ehrman, Bart D., *Lost Christianities*, New York, Oxford University Press, 2003, p. 1.

۲. هاروی، کاکس، مسیحیت، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸، ص ۲۷.

3. Ebionites

4. Montanism

5. Monarchianism

6. Arianism

۷. لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه روبرت آسریان، چاپ چهارم، تهران، فرزانه روز، ۱۳۹۰، ص ۴۷.

8. Quispel, Gilles, "Gnosticism from Its Origins to the Middle Ages", In *Encyclopedia of Religion*, Jones, Lindsay (ed.), Macmillan, 1987, Vol. 5, p. 566.

معنای شفافی از «گنوسیس» و «گنوستیسیزم» در تحقیقات علمی وجود نداشت تا اینکه در سال ۱۹۶۶ میلادی و در پی برگزاری کنفرانس مسینا<sup>۱</sup> در ایتالیا، توافق گردید که مذهب گنوسی در اشاره به نظام‌های عرفانی‌ای که در قرن دوم میلادی رونق گرفتند، به کار رود و گنوسیس نیز معرفت به اسرار الهی و کسب دانشی که محرمانه و مخصوص افراد برگزیده است، معنا شد.<sup>۲</sup>

واقعیت آن است که تفاوت برداشت‌ها میان گرویدگان به عیسی اکثراً ناشی از نوع بیان رمزگونه او و البته سطح درک و فهم مخاطبان بود. حتی در میان شاگردان و حواریون نیز اختلاف و تردید وجود داشت.<sup>۳</sup> به نظر می‌آید اولین انشعابات در دین مسیحیت بر اثر اختلاف بین پولس و پطرس و سایر حواریون به وجود آمد که می‌توان آن را در ابعاد خط سیر، عقیدتی- نظری، عملی و سیاسی - اجتماعی تفسیر کرد.<sup>۴</sup>

در ابتدا بدنه اصلی پیروان این دین جدید، یهودیان بودند که بشارت آنها بر عهده پطرس بود، پولس قدیس نیز برای سایر امت‌ها تبلیغ می‌کرد.<sup>۵</sup> مسیحیان یهودی نسل اوّل که مجموعه سخنان آمده در انجیل‌های متی و لوقا را تهیه کرده بودند، ممکن است حتی توسط پولس و یونانی‌گرایان، بدعت‌آمیز تلقی شده باشد و البته ممکن است این احساس متقابل نیز بوده باشد. پولس آشکارا مسیحیان یهودی<sup>۶</sup> را به‌عنوان بدعت‌گذار مطرود اعلام کرد.<sup>۷</sup> رهبران اولیه مسیحی خود را دارای ایمان واقعی رسولان می‌دانستند، «ایمانی که روزی به مقدسین سپرده شد.»<sup>۸</sup> ایشان پیگیری و حمله به بدعت‌گذاران که خود را در دایره عیسی و حواریون رسمیت می‌بخشیدند، لازم می‌دانستند<sup>۹</sup> و در توصیف بدعت‌گذاران به‌طور معمول از تعبیرات تند و تیزی مانند «گرگان درنده»<sup>۱۰</sup> که در پی تحریف حقیقت هستند، استفاده می‌کردند.

1. Messina Congress

2. Rudolph, Kurt, *Gnosis: The Nature & History of Gnosticism*, Translated by Robert McLachlan Wilson, Harper San Francisco, 1987, pp. 56-7.

۳. ر.ک: گفته ۱۳ توماس، لوقا، ۹: ۱۸-۲۲؛ متی، ۱۶: ۱۳-۲۰.

4. Robinson, James M., *The Nag Hammadi Library*, Third Edition, San Francisco, Harper One, 1990, p. 6.

۵. غلاطیان، ۲:۷.

۶. Judaizers: متهودون

۷. غلاطیان، ۵: ۴؛ ۴: ۲۱؛ ۲-۳؛ بعداً این عده توسط یوستین شهید نیز بدعت‌گذار اعلام شدند.

۸. یهودا، ۱: ۳.

9. Robinson, Thomas A., "Heresy: Christian Concepts", In *Encyclopedia of Religion*, Jones, Lindsay (ed.), MacMillan, 2005, Vol. 6, p. 3926.

۱۰. اعمال رسولان، ۲۰: ۲۹.

در همان حال گروه‌های بدعت‌گذار مسیحی نیز این اصل را همانند راست‌کیشان کاملاً فهمیده بودند و تمام تلاش خود را می‌کردند تا سنت‌های خود را به شخص عیسی و رسولان نسبت دهند. مثلاً گنوسی‌ان، از دانش پنهانی که توسط عیسی به صورت خصوصی به چند شاگرد منتخب و سرانجام به گنوسی‌ان واگذار کرده بود، سخن می‌راندند؛ اما کلیسا با ایشان مخالفت می‌کرد و عقاید و اعمال آنها را به شمعون مغ<sup>۱</sup> بازمی‌گرداند که طبق سنت اولیه مسیحی توسط پطرس محکوم شده بود.<sup>۲</sup> بر خلاف اصطلاح راست‌کیشی، «بدعت» در سراسر ادبیات صدر مسیحیت و در نوشته‌های یهودیان آن دوره و در ادبیات وسیع یونان مشاهده و معمولاً به «فرقه»<sup>۳</sup> ترجمه می‌شود که حاکی از جدا شدن و تفرقه آنها از دیگر مسیحیان است.<sup>۴</sup> مسأله بدعت حداقل از زمان نگارش رساله دوم پطرس در جوامع مسیحی وجود داشته و موجب نگرانی بوده است: «حتی در بین شما معلمان دروغین [بدعت‌گذارانی] وجود خواهند داشت که به صورت پنهانی بدعت‌های مهلک می‌آورند، حتی خداوند را که آنها را خریده است منکر می‌شوند.»<sup>۵</sup>

اسقف ایگناتیوس<sup>۶</sup> (د. حدود ۱۴۰) نخستین کسی بود که در قرن اول کلمه بدعت‌گذار را عنوان کرد و در نامه‌هایش اصطلاح «کاتولیک»<sup>۷</sup> به معنای لغوی همگانی و فراگیر را به کار گرفت. از دیدگاه او بدعت‌گذاران کسانی بودند که درک صحیحی از مسیح نداشتند،<sup>۸</sup> او معلمان خطا و بدعت را «سنگ قبرستان‌ها»<sup>۹</sup> نامید که معتقدات ایشان «کاشت پدر»<sup>۱۰</sup> نبوده است بلکه آنها «شاخه‌های شرور با میوه‌ای کشنده»<sup>۱۱</sup> هستند و سرنوشت ایشان و پیروانشان «آتش غیرقابل تحمل»<sup>۱۲</sup> است. ایگناتیوس در دهه اول قرن دوم به مسیحیان هشدار داد: «این

## 1. Simon Magus

۲. اعمال رسولان، ۸: ۹-۲۵.

## 3. sect

۴. اعمال رسولان، ۱۷: ۱۵، ۱۷: ۱۵، ۲۴: ۵ و ۱۴، ۲۶: ۵.

۵. دوم پطرس، ۲: ۱.

## 6. Ignatius

## 7. catholic

۸. آگریدی، جوآن، مسیحیت و بدعت‌ها، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷، ص

۳۷.

9. Ignatius, *To the Philadelphians*, In *The Apostolic fathers*, Philip Schaff (ed.), Christian Classics Ethereal Library, 1885, Vol. 1, Chap. 6, pp. 82-3.

10. Ignatius, *To the Philadelphians*, Vol. 1, Chap. 3, p. 80.

11. Ignatius, *To the Trallians*, Vol. 1, Chap. 11, p. 71.

12. Ignatius, *To the Ephesians*, Vol. 1, Chap. 16, p. 56.



مردمان، در حالی که وانمود می‌کنند قابل اعتماد هستند، [تعالیم] عیسی مسیح را با سم مخلوط می‌کنند، درست به مانند افرادی که داروی کشنده را با شراب عسل تجویز می‌کنند.<sup>۱</sup>

یوستین شهید (حدود ۱۰۰ تا ۱۶۲)، صاحب قدیمی‌ترین اثر بدعت‌شناسانه مفقود که ما از آن اطلاعات داریم،<sup>۲</sup> به عنوان اولین مدافعه‌نویس، خطاب به آنتونیوس پیوس<sup>۳</sup> - امپراتور روم - بدعتکاران را افرادی تحت تأثیر شیاطین دانست که حتی پس از صعود مسیح، فریب‌ها و نیرنگ‌های خود را ادامه می‌دهند: «من رساله‌ای در برابر همه بدعت‌هایی که از قبل وجود داشته است نوشته‌ام که اگر بخواهید آن را بخوانید، تقدیم حضور خواهم کرد.»<sup>۴</sup>

در اواخر قرن دوم میلادی، بازار انتشار کتاب‌هایی که به مقبولات عامه مسیحی حمله می‌کردند، داغ شد و گروه‌های مختلف با عقاید گوناگون در سراسر سرزمین‌های مسیحی آن زمان شروع به تبلیغ کردند و در این میان بود که عده‌ای از پدران کلیسا نیز به تبیین دیدگاه‌های خود و البته رد دیگر نظرات پرداختند. یکی از معروف‌ترین این نویسندگان، ایرنائوس، اسقف لیون، است که رساله مهمش، *برضد بدعت‌ها*،<sup>۵</sup> الگویی برای رد دیگر بدعت‌ها شد. او در این کتاب هدف خود را نه تنها ارائه مطالب مربوط به بدعت‌گذاران بلکه از میدان به در کردن آنها به هر وسیله ممکن بیان می‌کند<sup>۶</sup> و در پی آن است که آموزه‌ای را مطرح کند که بر پایه آن تنها صدای مشروع در عالم مسیحیت، صدای رسولان و اسقفان است و نه صدای احقمان بدعت‌گذار.<sup>۷</sup>

هیپولیتوس (حدود ۱۷۰ تا ۲۳۵) نیز مجموعه ده جلدی در رد همه بدعت‌ها<sup>۸</sup> را نوشت که بخشی از آن به بررسی بدعت‌های مسیحی می‌پردازد. وی عقیده دارد این گروه‌ها، آموزه‌های خود را از کافران و نه از مسیحیت اخذ کرده‌اند و نتیجه می‌گیرد عقیده فلاسفه یونانی به مراتب بهتر از بدعت‌گذاری گنوسی‌ان نادان و بی‌خداست.<sup>۹</sup>

ترتولیان (حدود ۱۵۵ تا ۲۳۰) نیز به عنوان اولین پدر لاتین‌زبان کلیسا، با تسلطی که بر

1. Ignatius, *To the Trallians*, Vol. 1, Chap. 6, p. 68.

2. Rudolph, p. 9.

3. Antoninus Pius

4. Justin Martyr, *First Apology*, In *The Apostolic fathers*, Philip Schaff (ed.), Christian Classics Ethereal Library, 1885, Vol. 1, Chap. 26, pp. 171-2.

5. *Against Heresies*

6. Irenaeus, *Against Heresies*, Translated by Alexander Roberts, In *The Apostolic fathers*, Philip Schaff (ed.), Christian Classics Ethereal Library, 1885, Vol. 1, Book I, 31.4, p. 358.

7. Irenaeus, Vol. 1, Book I, 3.5, p. 320: Book I, 9.3, p. 329.

8. *Refutation Against all Heresies*

9. Rudolph, p. 14.

مفاهیم و اصطلاحات حقوقی داشت در صدد بر آمد که ادعاهای خود بر ضد بدعت‌گذاران را اثبات نماید. وی رساله‌های تکلیف رد بدعت‌گذاران<sup>۱</sup> و در برابر والنتیان‌ها<sup>۲</sup> را به رشته تحریر درآورد و در آنها تصریح کرد که مسیحیت راستین تنها بر آموزه‌های مسیح و رسولانش استوار و از همه بدعت‌ها قدیمی‌تر بوده است و در پی آن نتیجه می‌گیرد هر تعلیمی که با آن موافق باشد، حقیقت است و هر چه با آن یکسان نیست باید نادرست انگاشته شود.<sup>۳</sup>

### بدعت و راست‌کیشی پس از استقرار حاکمیت دینی

توصیفات پدران کلیسا از بدعت تصویری را ترسیم می‌کند که با تعالیم عهد جدید و رسولان در تقابل است. اما ماهیت اصلی اصطلاح بدعت تا مناقشات مهم قرن چهارم میلادی و زمانی که تهدید جناح حاکم روشن نشده بود، هنوز در عالم مسیحیت تثبیت نشده بود. در آن زمان بود که به معنای یک انحراف دینی مطرح شد و سریعاً به مفهوم اصطلاحی موهن بدل گشت.<sup>۴</sup> به این ترتیب کلیسا و نویسندگان بدعت‌نگارش یک طرح‌واره دقیق از رابطه بین راست‌کیشی و بدعت ارائه داد که طی آن در ابتدا راست‌کیشی بود و سپس بدعت یعنی انحراف از حقیقت، پدید آمد.<sup>۵</sup> در این باره اریگن، الهی‌دان برجسته قرن سوم، چنین اظهار می‌دارد: «همه بدعت‌گذاران در ابتدا مؤمن بودند ولی بعداً از دایره ایمان کناره گرفتند»<sup>۶</sup> دیدگاهی که از تاریخ کلیسای اوسیپیوس<sup>۷</sup> - که در سبصد سال اوّل مسیحیت بر درک تأثیر شگرفی داشت - نشأت گرفته بود. کلیسا در طول قرن دوم با توجه به همین رویکردها نسبت بدعت و خطرات ناشی از آن، به سرعت شروع به استفاده از ابزارهایی چون تدوین کتاب مقدس رسمی، اعتقادنامه، سلسله مراتب کلیسایی و شوراها برای شناسایی و مهار آنچه خود بدعت می‌نامید، کرد. در سده‌های نخستین، اتهام بدعت موجب ننگ فرد

1. *The Prescription Against Heretics*

2. *Adversus Valentinianos*

3. Tertullian, *The Prescription Against Heretics*, Translated by Peter Holmes, In *The Apostolic fathers*, Philip Schaff (ed.), Christian Classics Ethereal Library, 1885, Vol. 3, Chap. 21, p. 252.

4. Royalty, Robert M., *The Origin of Heresy: A History of Discourse in Second Temple Judaism and Early Christianity*, Routledge, 2013, p. 137.

5. Bauer, Walter, *Orthodoxy and Heresy in Earliest Christianity*, Translated by R. A. Kraft and G. Krodel, Philadelphia, Fortress, 1971, p. xxi.

6. Origen, *The Song of Songs: Commentary and Homilies*, Translated by R. P. Lawson, Newman Press, 1957, Book 3 (Canticle 2.2), Part 4, p. 178.

7. Eusebius, *Ecclesiastical History*, In *Roman Civilization*, Naphtali, Lewis; Meyer, Reinhold, Columbia University, 1990.

در درون جامعه مسیحیان می‌شد، اما به همین امر محدود نبود بلکه در پی آن تکفیر نیز می‌آمد؛ به این معنی که بدعت‌گذاران از مناصب رسمی کلیسا اخراج و از انجام مناسک منع می‌شدند. این محرومیت‌ها به خودی خود، مؤثرترین ابزار برای بازایی اعضای خطاکار بودند.<sup>۱</sup>

همانطور که پیشتر گفته شد، در اوایل قرن چهارم به لطف روی کار آمدن حاکمیتی مسیحی، دولت و کلیسا در این امر مشترک متحد شدند و قدرت کلیسا برای از میان برداشتن مخالفان بیش از پیش فراهم آمد، به نحوی که اتهام بدعت باعث به وجود آمدن خطر جدی قانونی و البته طرد دینی برای بدعت‌گذار می‌شد. برای بدست آوردن یک اجماع فراگیر، کنستانتین اولین شورای جهانی کلیسا را در سال ۳۲۵ میلادی در نیقیه برگزار کرد تا بر سر آنچه به بدعت مذهب آریانی مشهور بود، بحث و گفتگوهای گسترده‌ای صورت گیرد. نتیجه به زودی مشخص شد و طرفداران آریوس، به عنوان بدعت‌گذار شناخته و محکوم شدند.

تصمیمات شورای نیقیه برای آینده مسیحیت بسیار مؤثر بود به این جهت که نتایج این شورا نه تنها برای کلیسا که برای امپراتوری روم هم تبدیل به قانون شد. یکی از نشانه‌های این امر آن بود که کنستانتین با صدور فرمانی حکومتی مسیحیانی را که با شورای نیقیه مخالف بودند، از تشکیل جماعت منع و عبادتگاه‌های آنها را توقیف کرد. این عمل روال شومی پدید آورد که طی آن بر خلاف ادیانی چون هندو که در بستر تنوع و گوناگونی آموزه‌ها رشد کرده‌اند، در مسیحیت تنها و تنها یک دیدگاه معتبر تلقی می‌شد.<sup>۲</sup>

حکومت مسیحی با بدعت‌گذاران دقیقاً همانگونه رفتار می‌کرد که امپراتوری رومی قبل از تغییر کیش کنستانتین با همه مسیحیان رفتار کرده بود: محکوم با خطر جدی قانونی از دست دادن اموال و تبعید یا اعدام روبرو می‌شد. هرچند در بعضی مواقع، منافع کلیسا و حکومت با هم متعارض بودند اما در اکثر اوقات با هم منافع مشترک داشته و متحد بودند و همین کار را برای بدعت‌گذاران سخت‌تر کرده بود.<sup>۳</sup> جماعت دینی‌ای که زمانی طیفی از عقاید گوناگون را در خود جای می‌داد به جامعه‌ای متعصب و جزم‌گرا تبدیل شد که معتقد به یک‌دستی اعتقادی و فرونشاندن بدعت بود. بر این اساس، دسته‌های راهبان دوره‌گرد به کنیسه‌ها، معابد غیرموحدان و محل ملاقات‌های مسیحیان موسوم به بدعت‌گذار حمله

1. Robinson, Thomas A., Vol. 6, p. 3926.

۲. هاروی، ص ۶۰.

3. Robinson, Thomas A., Vol. 6, p. 3927.

می‌کردند.<sup>۱</sup> آمیانوس<sup>۲</sup> تاریخ‌نگار آن روزگار می‌نویسد: «هیچ‌یک از حیوانات وحشی این چنین با بشر دشمن نبوده‌اند که بیشتر مسیحیان با یکدیگر.»<sup>۳</sup>

اصطلاح بدعت در زمینه حقوق مدنی اولین بار در سال ۳۸۰ میلادی در «فرمان تسالونیک»<sup>۴</sup> تئودوسیوس اوّل استفاده شد. کلیسا قبل از صدور این فرمان، برای مقابله با بدعت می‌دانست، هیچ حمایت رسمی‌ای از سوی حکومت نداشت و برای دفع و رفع آن از هیچ ساز و کار قانونی خاصی برخوردار نبود.<sup>۵</sup> در حالی که کلیسای دولتی مسیحی امپراتوری روم توسعه می‌یافت، محققان کلیسایی دیگر فرقه‌های مسیحی را نیز مورد مطالعه قرار دادند تا مرز مشخصی میان آثار راست‌کیش و بدعت‌آمیز مشخص کنند.<sup>۶</sup> در قرن چهارم، اپیفانیوس<sup>۷</sup> (د. ۴۰۳) در اثر مهمش، گنجۀ دارو،<sup>۸</sup> سعی در نشان دادن این موضوع داشت که همه بدعت‌ها جانوران وحشی درنده‌ای هستند که سم آنها خلوص ایمان را به خطر می‌اندازد. در دوره‌های بعد، آگوستین (۳۵۴ تا ۴۳۰) علاوه بر چندین نوشته علیه مانویان، هشتاد و هشت بدعت را فهرست‌وار معرفی کرد.<sup>۹</sup> بعدها یوحنا دمشقی (حدود ۶۷۵ تا ۷۴۹) که به عنوان آخرین پدران کلیسای شرق معرفی شده و در دوره سلطه اسلامی مشغول به کار بوده، تاریخ بدعت‌ها را براساس الگوهای قدیمی‌تر تنظیم کرده است. بخش دوم کار اصلی او *ینبوع‌المعرفه*<sup>۱۰</sup> است که در پایان آن به اسلام نیز می‌پردازد.

پس از مشاجرات بزرگ مسیحیان بر سر تثلیث در قرن چهارم و پنجم، مبارزه با بدعت‌ها فروکش کرد، زیرا چنین اعتقاداتی عمدتاً یا مانند مذهب آریانی از بین رفتند و یا مانند

1. Brown, Peter, *The World of Late Antiquity: AD 150-750*, New York, W. W. Norton & Company, 1989, pp. 104-6.

2. Ammianus Marcellinus (d. 391-400)

3. Friend, William H.C., *The Rise of Christianity*, Philadelphia, Fortress Press, 1984, p. 604.

4. Edict of Thessalonica

5. Ehler, Sidney Z.; Morrall, John B., *Church and State Through the Centuries: A Collection of Historic Documents with Commentaries*, Biblio & Tannen, 1967, pp. 5-6.

6. Royalty, p. 12.

7. Epiphanius

8. *Panarion*

9. Augustine, *De haeresibus*, Washington, Catholic University of America Press, 1956.

10. Saint John of Damascus, *The Fount of Knowledge*, In *The Philosophical Chapters, on Heresies, the Orthodox Faith* (The Fathers of the Church, Vol. 37), Translated by Frederic H. Chase Jr., CreateSpace Independent Publishing Platform, 2012.

باورمندان به تک‌جوهری<sup>۱</sup> و نسطوریان<sup>۲</sup> به سرزمین‌هایی منتقل شدند که تحت کنترل و نفوذ کلیسا نبود و در حیطة حکومت مسلمانان قرار داشتند. از آن پس بود که توجه پدران کلیسا به بیرون از دایره مسیحیت و دشمن جدید، یعنی اسلام، معطوف شد و جنگ‌های صلیبی علیه مسلمانان کافر در سرزمین مقدس، جایگزین مبارزه با بدعت‌گذاران مسیحی در اروپا گردید.

### مروری بر آرای والتر بائر

یکی از مسایل پژوهشگران حوزه صدر مسیحیت در قرن بیستم آن بود که تا چه اندازه مجازیم از «راست‌کیشی» و «بدعت» سخن بگوییم. نقد تاریخی، تلقی موجود را مبنی بر اینکه بدعت یک استثناء بسیار نادر از راست‌کیشی بود، به شدت تغییر داد. والتر بائر، الهی‌دان، دین‌پژوه و محقق آلمانی مسیحیت اولیه (۱۸۸۷ تا ۱۹۶۰)، در بررسی مجدد این الگوی تاریخی تأثیرگذار بوده است.

اصولاً چهار جریان مدرن در خصوص مقوله فهم دوران صدر مسیحیت تأثیرگذار بودند. اول، فردیناند کریستین بائر<sup>۳</sup> و طرفداران مکتب توبینگن<sup>۴</sup> که استدلال می‌کردند مسیحیت قرن دوم نشان‌دهنده تلفیقی متناقض‌نما از تفسیر پطرسی و پولسی پیام مسیح در قرن اول است. دوم، ماکس وبر<sup>۵</sup> و ارنست ترلچ<sup>۶</sup> بر این باور بودند که راست‌کیشان با تأسیس یک نهاد تأسف‌آور مسیحی، برخلاف روح اصلی و ساختارهای جذاب اولیه آن رفتار کرده‌اند. سوم، والتر بائر استدلال می‌کند که در بسیاری از مناطق امپراتوری روم، ابتدا آشکال به اصطلاح بدعت‌آمیز مسیحی وجود داشته است و مفهوم راست‌کیشی بعدتر توسط پدران کلیسا پدید آمد. به نظر او، مفهوم راست‌کیشی مبتنی بر تعالیم اصیل رسولان، تخیلی بود که کلیسای روم در قرن دوم برای گسترش نفوذ خود در سراسر امپراتوری بافته بود. چهارم، پژوهشگرانی که تحت تأثیر والتر بائر، شروع به طرح مباحثی پیرامون گونه‌های مختلف مسیحیت کردند و مسیرهای مربوط به هر یک از آنها را به قرن‌های بعدی رهیابی و بر اساس آن استدلال کردند که بدعت به همان اندازه و میزان راست‌کیشی سابقه و اصالت

- 
1. Monophysitism
  2. Nestorianism
  3. Ferdinand Christian Baur (d. 1860)
  4. Tübingen
  5. Max Weber (d. 1920)
  6. Ernst Troeltsch (d. 1923)

دارد.<sup>۱</sup>

والتر بائر اوّل بار در سال ۱۹۳۴ در کتاب *راست‌کیشی و بدعت در مسیحیت اولیه*<sup>۲</sup> نظریه تنوع و تکثر مسیحیت نخستین را تشریح و نقد کرد. بائر در *این کتاب* کوشید تا در تعریف مسیحیت اولیه از منظر تاریخی و مستقل از دیدگاه‌های کلیسای فعلی، تجدید نظر کند و آن را به چالش بکشد و مدّعی است که مسیحیت از ابتدا پدیده متنوعی بود و ما شاهد وجود «انواع مسیحیت» در اطراف دریای مدیترانه هستیم؛ به عبارت دیگر آنچه بعدها به عنوان بدعت تلقّی و پیروانش بدعت‌گذار نامیده شدند، ادعای یکسانی با راست‌کیشان در خصوص نسبت خود با سنت اصیل مسیحی داشتند.

از منظر بائر مفهوم راست‌کیشی اصیل، پنداری بود که کلیسای رُم در قرن دوم برای گسترش نفوذ خود در سراسر امپراتوری بافته بود.<sup>۳</sup> وی تلاش کلیسای رُم برای تعریف راست‌کیشی و بدعت را در جهت دستیابی ایشان به سلطه و تبدیل شدن به جریان اصلی تفسیر می‌کند و بیان می‌دارد که نمی‌توانیم راست‌کیشی را جریان نخست و بدعت را یک انحراف بعدی بدانیم، زیرا با این کار «به سادگی با داوری پدران بدعت‌نگار در قرن‌های نخست همراه شده‌ایم».<sup>۴</sup> این کار نه علمی است و نه عادلانه، زیرا در این صورت ما فقط به یک صدا، یعنی صدای برندگان، گوش می‌دهیم و به بازندگان اجازه نمی‌دهیم که با زبان خود از خودشان سخن گویند. «شاید جلوه‌های خاصی از زندگی مسیحی که نویسندگان کلیسا به بهانه بدعت بودن از آنها صرف‌نظر می‌کردند، به‌گونه‌ای دیگر بوده است و این به اصطلاح بدعت‌ها در مکان‌های مختلف، تنها شکل این دین تازه تأسیس بوده‌اند و طرفداران آنها در آن مناطق اکثریت را تشکیل می‌دادند».<sup>۵</sup>

این فرضیه‌ای است که بائر بر اساس آن شروع به جمع‌آوری داده‌ها می‌کند و در این راه از در نظر گرفتن شواهد عهد جدید از آنجایی که از نظرش «بسیار ناکارآمد است و بیشتر از آن مورد اختلاف است که بتواند به عنوان نقطه عزیمت باشد» صرف‌نظر نموده<sup>۶</sup> و پژوهش خود را از مناطق مختلف جغرافیایی شروع می‌کند. به عنوان نمونه بائر در ابتدا بر اُدسا - واقع در ترکیه امروزی - تمرکز می‌کند و پس از بی‌اعتبار کردن تمام روایات سنتی درباره پیدایش

- 
1. Robinson, Thomas A., Vol. 6, p. 3929.
  2. *Rechtgläubigkeit und Ketzerei im ältesten Christentum*
  3. Robinson, Thomas A., Vol. 6, p. 3929.
  4. Bauer, p. xxi.
  5. Ibid, p. xxii.
  6. Ibid, p. xxv.

مسیحیت در آنجا استدلال می‌کند که شکل اصلی مسیحیت در آنجا مرقیونی بوده است و تا اواخر قرن دوم، هیچ اثری از آنچه بعدها به عنوان «راست‌کیشی» شناخته می‌شود، وجود ندارد. از قرن پنجم میلادی است که بالاخره «راست‌کیشان» با «روش‌های نسبتاً خشن» عقاید خود را تحمیل می‌کنند و بر این اساس با اثر نتیجه می‌گیرد که «آغاز تاریخ مسیحیت در ادسا به طرز غیر قابل انکاری بر باورهای بدعت‌آمیز استوار است.»<sup>۱</sup> یا مثلاً با اثر ابتدایی‌ترین شکل ایمان در مصر تا آغاز قرن دوم را گنوسی می‌داند و اظهار می‌کند که شکل «راست‌کیش» تا آخر قرن دوم ظاهر نشد و حتی تا قرن سوم، هیچ جدایی‌ای بین راست‌کیشی و بدعت صورت نگرفت.<sup>۲</sup> بائر سپس به انطاکیه روی می‌آورد - که برخلاف نظر خواننده عهد جدید که مسیحیت را در آنجا بی‌شک راست‌کیش می‌داند - از مدت‌ها قبل تحت تأثیر حرکات بدعت‌آمیز قرار گرفته بود. انطاکیه از زمان شکست تلاش‌های پولس در آنجا<sup>۳</sup> هیچ نقش مهمی در تاریخ کلیسا نداشته است<sup>۴</sup> و در عوض، شاهد وجود اعتقادات گوناگون از «مسیحیان یهودی»، «مسیحیان غیر یهودی»<sup>۵</sup> و البته گنوسیان هستیم.

او بیان می‌دارد که آنچه از قرن چهارم با عنوان «راست‌کیشی» می‌شناسیم، در اصل فقط شکل غالب مسیحیت در رُم بوده است. بائر کلیسای رُم و تاکتیک‌های آن را در جهت تأسیس یک نام خاص و غالب از مسیحیت ارزیابی می‌کند و با بررسی نامه‌های کلمنت اول، پاپ وقت، به کلیسای قرنتیان که در اواخر قرن نخست میلادی نوشته شده، کلیسای رُم را به فرصت‌طلبی برای گسترش حوزه نفوذ خود متهم می‌کند.<sup>۶</sup> آنها از طریق «هدایای مالی سخاوتمندانه» و «مکاتبات تحکم‌آمیز» دامنه نفوذ خود را با اطمینان به سمت شرق گسترش می‌دهند و در این مسیر سعی می‌کنند هر نوع مقاومتی را بشکنند، دست همفکران را بفشارند و همه را زیر چتر ساختارهای کلیسایی خود بکشند.<sup>۷</sup> بدین طریق رُم «راست‌کیش» برنده‌ای است که با پشتوانه منابع مالی و سیاسی بر «بدعت» پیروز می‌شود. شاید این یک اراده تاریخی بود که رُم غربی با اعمال نفوذ تعیین‌کننده بر دینی که گهواره آن در شرق بود، شکلی جهانی و رسمی به مبانی اعتقادی خود دهد، جایگاهی که هیچکدام از اشکال موسوم به «بدعت‌آمیز»

1. Ibid, p. 43.

2. Ibid, p. 59.

۳. غلاطیان، ۲.

4. Bauer, p. 63.

5. Gentile Christianity

6. Bauer, p. 98.

7. Ibid, p. 231.

مسیحی، اعم از گنوسی و مرقیونی نتوانستند به آن دست یابند.<sup>۱</sup> بنا بر آنچه گفته شد، جوهره و اساس کتاب بائر را می‌توان در دو بخش توصیف کرد: ۱. در آغاز، انواع مختلفی از مسیحیت وجود داشت، یعنی مجموعه‌ای واحد و یکپارچه از اعتقادات که بعداً تبدیل به چیزی شد که آن را «راست‌کیشی» می‌نامیم. ۲. پیروزی یکی از طرف‌ها، یعنی کلیسای رُم، که نظامی جزم را تأسیس و تمام دیگر رقبا را سرکوب کرد. بائر در تلاش برای درک موقعیت از منظر پدیدارشناسانه و نه از دید کلیسا، دیدگاه سنتی در مورد رابطه بین راست‌کیشی و بدعت را به چالش کشید. وی استدلال کرد که تنوع بیشتری در کلیسای اولیه وجود داشته است و بسیاری از گروه‌های به اصطلاح بدعت‌گذار به همان اندازه راست‌کیشان می‌توانستند ادعا کنند که در تعالیم رسولان ریشه داشته‌اند. بائر اساساً مبارزه بین راست‌کیشی و بدعت را به عنوان مبارزه کلیسای رُم برای تسلط، ناشی از جاه‌طلبی‌های سیاسی تفسیر می‌کند و آن را با جریان غالب مسیحیت در رُم، که به تدریج نفوذ خود را در طول قرن دوم افزایش و گسترش داد، مرتبط می‌داند در حالی که مسیحیت شرقی در قرن دوم را از گونه‌ای می‌داند که بعداً بدعت خوانده شد.

با پرمخاطب شدن کار بائر<sup>۲</sup> در دهه ۱۹۷۰، تمرکز روزافزونی بر چگونگی تأثیر اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر شکل‌گیری مسیحیت اولیه پدید آمد که پاسخ محققان مدرن نسبت به نظرات بائر تا حدودی متفاوت بود.<sup>۳</sup> عده‌ای چون جیمز رابینسون و هلموت کوستر<sup>۴</sup> و جیمز داوون<sup>۵</sup> قویترین حامیان نظریه وی بودند و به وضوح از نتیجه‌گیری‌هایش حمایت می‌کردند و کارش را مبنای مخالفت‌های خود در برابر راست‌کیشی مرسوم قرار دادند. همچنین برخی پژوهشگران مانند پیگلز و اهرمان نیز نظرات خود را بر اساس رأی اصلی بائر بنا کردند و با استناد به تمایزات بین مسیحیان یهودی، مسیحیان غیر یهودی و گروه‌های دیگر مانند گنوسی‌ها، اینگونه نتیجه گرفتند که مسیحیان اولیه گروه‌هایی جدا از هم بوده‌اند که بعضاً

1. Ibid, p. 240.

2. Esler, Philip F., *The Early Christian World*, Routledge, 2004, pp. 893-4.

۳. برای بررسی مجموعه نظراتی که در خصوص تئوری بائر داده شده است، ر.ک:

Decker, Rodney J., "The Bauer Thesis: An Overview" in *Orthodoxy and Heresy in Early Christian Contexts*, Paul A. Hartog ed., James Clarke & Co., 2015, pp. 17-32.

4. Robinson, James M.; Koester, H., *Trajectories Through Early Christianity*, Philadelphia: Fortress Press, 1971.

5. Dunn, James D.G., *Unity and Diversity in the New Testament: An Inquiry into the Character of Early Christianity*, Philadelphia: Westminster Press, 1977.



با یکدیگر رقابت هم می‌کرده‌اند.<sup>۱</sup>

البته در این میان پاسخ‌های منفی نیز نسبت به نظریه بائر وجود داشته است؛ مثلاً هنری ترنر<sup>۲</sup> و جری فلور<sup>۳</sup> از آن دست محققانی هستند که دیدگاه بائر درباره تاریخ مسیحیان را متأثر از پیشینه پروتستانی-آلمانی‌اش می‌دانستند که باعث شده است موقعیت و جایگاه راست‌کیشی در قرون نخستین مسیحی را اینگونه غیرمنصفانه ترسیم کند. برخی نیز معتقدند نظریه بائر تفاوت بین کلیسای تأسیس شده راست‌کیشان و افرادی چون شمعون مغ را نشان نمی‌دهد.<sup>۴</sup> عدّه‌ای نیز بر این باورند که جوامع اولیه مسیحی منحصر به فرد و جدا از یکدیگر بودند، اما اصول کلیسای کاتولیک ایجاب می‌کرد که عموم مسیحیان یکپارچه باشند.<sup>۵</sup> در عین حال هر چند و در این خصوص، پاسخ‌های معتدل‌تری نیز ارائه شده است و محققان درک او از راست‌کیشی و پیشرفت آن را در این دوره مورد نقد و به‌روزرسانی قرار داده و تصحیح کرده‌اند<sup>۶</sup> اما امروز این اندیشه که مسیحیت در ابتدا یک پدیده متنوع بوده، به‌طور کلی مورد قبول جوامع علمی واقع شده است.<sup>۷</sup>

### جمع‌بندی

در سه قرن اوّل کلیسا، تفاوت بدعت و انشقاق<sup>۸</sup> به روشنی مشخص نبود اما بعدها از منظر کلیسا بدعت‌گذاری به معنای ایجاد یک فرقه یا گروهی تعریف شد که وحدت مسیحیان را تهدید می‌کرد. حقیقت آن است که مقامات رسمی کلیسا ابتدا اصطلاحات راست‌کیش و بدعت‌گذار را وضع کردند، سپس تکفیر مخالفان و از میدان به در کردن آنها را آغاز کردند و

1. Pagels, Elaine, *The Gnostic Gospels*, New York, Random House, 1989; Ehrman, Bart D., *Lost Christianities*, New York, Oxford University Press, 2003.

2. Turner, Huge, *The Pattern of Christian Truth: A Study in the Relations between Orthodoxy and Heresy in the Early Church*, London, A.R. Mowbray & Co. Ltd, 1954.

3. Flora, Jerry, "A Critical Analysis of Walter Bauer's Theory of Early Christian Orthodoxy and Heresy", ThD diss., The Southern Baptist Theological Seminary, 1972.

4. Gregory, Andrew, Tuckett, Christopher, eds., *The Oxford Handbook of Early Christian Apocrypha*, Oxford University Press, 2015, p. 453.

5. Frances, Margaret Y., *The Cambridge History of Christianity Volume 1: Origins to Constantine*, Cambridge University Press, 2006, p. 307.

6. Hunt, Emily J., *Christianity in the Second Century: The Case of Tatian*, Routledge, 2003, pp 10-11.

7. Behr, John, *Irenaeus of Lyons: Identifying Christianity*, OUP Oxford, 2013, pp. 5-6.

8. Schism

سرانجام بدعت به عنوان نقطه جدایی از راست‌کیشی در نظر گرفته شد؛ معنایی که تقریباً از پایان قرن اوّل در جوامع مسیحی شکل گرفت.

با توجه به اتفاقات قرن چهارم، همزمان با تلفیق دین و سیاست در عالم مسیحیت، قدرت مذاکره، اقناع و احیاناً نفوذ پر قدرت اسقفان شهرهای مهم با دیگر اسقفان و همچنین میل و رغبت امپراتور نسبت به هر یک از موضوعات مورد مناقشه، نمی‌توان به روشنی دریافت که شکل‌گیری مسیحیت راست‌کیش چگونه بوده است. برخی تعالیم و عقاید مستقر و به تبع آن جریان اصلی مسیحیت را ساختند، برخی دیگر بدعت شمرده شدند و فرقه و کلیسای مجزایی را به وجود آوردند و تعدادی نیز با صلح یا خشونت از بین رفتند، به گونه‌ای که به طور سنتی، راست‌کیشی به عنوان یک اصل وثیق و معتبر از سنت تلقی شد و آشکال دیگر مسیحیت، جریان‌های منحرف از اندیشه اصیل مسیحی، بدعت‌گذار معرفی گردیدند. پس از استقرار حکومت مسیحی روم، مسیحیان دیگر نگران نابودی دینشان نبودند و در نتیجه توجه‌شان به تفکیک و معرفی باورهای حقیقی مسیحی معطوف شد. این مقطع از تاریخ، یکی از برهه‌های بی‌نظیر در مسیحیت است، جدال میان گروهی که بدعت‌گذار نامیده می‌شدند و عده‌ای که خود را راست‌کیش می‌پنداشتند. در این زمان اختلاف نظر میان گروه‌های اسقفی رقیب و جماعت‌هایشان چنان بالا گرفت که خود امپراتوران از جمله کنستانتین را ناگزیر به مداخله کرد. بدین ترتیب و با هماهنگی حکومت و کلیسا، شوراهاى مختلفی جهت تبیین مواضع راستین مسیحیت تشکیل و به نوعی خط پایانی بر تنوع و تکثر مسیحیت کشیده شد.

از منظر راست‌کیشان، در ابتدای مسیحیت، همه مؤمنان یک کلیسا داشتند که ایمانی ساده‌تر و بی‌آلایش‌تر را عرضه می‌کرد؛ همگان با هم به عبادت می‌پرداختند و به مرجعیت رسولان احترام می‌گذاشتند. بعد از رحلت رسولان، اختلافات و سپس انواع بدعت‌ها پدید آمد. شگفت‌آور است که برای قرن‌های متمادی، تقریباً همه کسانی که تاریخ مسیحیت اولیه را مطالعه می‌کردند، به سادگی داستان درگیری‌های ابتدایی را که توسط پیروان راست‌کیش نوشته شده بود، می‌پذیرفتند. اما این موضوع در قرن نوزدهم به طرز چشمگیری تغییر یافت. این کلیسا بود که تصمیم گرفت دیدگاه «صحیح» مسیحی چیست و چه کسی مسئول در اختیار داشتن اعتقاد و عمل مسیحیان است. همچنین مشخص کرد که کدامیک از گونه‌های مسیحیت باید به حاشیه رانده، کنار گذاشته و نابود شود، کدام نوشته باید در مجموعه کتاب مقدس قرار گرفته و کدام نوشته باید به عنوان «بدعت و آموزش عقاید غلط» کنار گذاشته

شود. این حزب پیروز بود که تاریخ بحث و جدال را بازنویسی کرد و تاریخ را اینگونه جلوه داد که اصلاً درگیری چندانی رخ نداده و مسیحیت راستین در صلح و آرامش شکل گرفته است. طرف برنده ادعا کرد که نظراتش همیشه دیدگاه اکثریت مسیحیان در همه زمان‌ها بوده است و مبنای آن به زمان عیسی و تعالیم رسولانش که همانا «راست‌کیشی» است، باز می‌گردد و در دیگر سو مخالفان آن‌ها، با متون مقدس خودشان، همیشه نماینده گروه‌های کوچک بودند که در صدد فریب مردم و سوق دادن آن‌ها به «بدعت» بوده‌اند.

تحقیقات پژوهشگرانی چون والتر بائر و کشفیاتی چون کتابخانه نجع حمادی نشان می‌دهد که ممکن بود مسیحیتی که امروزه می‌شناسیم با تمام مختصاتش، وجود نداشته باشد. برخی محققان بر این باورند که اگر ساختار الهیاتی‌ای که کلیسای نوظهور قرون اولیه آن را ایجاد کرده بود، وجود نمی‌داشت، به احتمال زیاد مسیحیت امروزی به این شکل باقی نمی‌ماند. اولین فردی که به تبیین این مطلب پرداخت، والتر بائر آلمانی بود. طبق نظر او، مسیحیت معاصر با همه تنوع و پیچیدگی‌اش، یکپارچه‌تر از کلیساهای مسیحی سده‌های اوّل و دوم به نظر می‌رسد؛ چون تمام فرّقی اصلی و کنونی مسیحیت، در سه اصل اساسی اشتراک دارند: ایمان به عهد جدید، شهادت به اعتقادنامه رسولان و اعتقاد به شکل خاصی از نهاد کلیسا؛ همگی این سه مورد در اواخر قرن دوم ظهور یافت. اما حقیقت آن است که طبق گفته ایرنائوس، دیگرانی بوده‌اند که انجیل‌های مخصوص به خود داشته‌اند و همین امر مؤید وجود گروه‌های مختلف فکری در آن دوران است.

همانطور که بائر ادعا می‌کرد، تعریف راست‌کیشی فقط از دل مفهوم بدعت بدست می‌آید و به همین جهت به نظر می‌رسد که در محافل اولیه مسیحی تمام اعتقادات به یک اندازه وثاقت و اصالت داشته‌اند. اصطلاح بدعت که بیش از دو هزار سال در دنیای مسیحیت به کار گرفته می‌شد، امروزه کمتر کاربرد دارد، چه آنکه کلیسای مسیحی مرزهای راست‌کیشی را که در قرون گذشته به تنظیم و تنسيق نوعی ایمان واحد منجر شده بود، تغییر یافته می‌بیند. تمایل به گسترش درونی بیش از پیش، به حرکت به سوی کثرت‌گرایی گسترده‌تر در مرزهای وثیق و معتبر مسیحیت می‌انجامد. جنگ‌های ویرانگر مذهبی قرن شانزدهم، تأثیرات نسبی نهضت روشنگری قرن هفدهم، تلاش‌های جهانی قرن هجدهم و نوزدهم و بازسازی‌های علمی نوین از صدر مسیحیت، باعث شده‌اند بسیاری از گروه‌های مسیحی بر مشترکات به جای تفاوت‌ها تأکید کنند. به نظر می‌رسد برخی مواضع مورد حمایت شورای جهانی کلیساها (۱۹۴۸) و شورای واتیکان دوم (۱۹۶۲-۱۹۶۵) بازتاب این نگرش‌های جدید باشد.

## منابع

- آگریدی، جوآن، مسیحیت و بدعت‌ها، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۷.
- پیگلز، الین، *انجیل‌های گنوسی*، ترجمه ماشاءالله کوچکی میبیدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵.
- روبنستاین، ریچارد ای، *وقتی عیسا خدا شد*، ترجمه راضیه سلیم‌زاده، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، دارالهجره، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۲.
- لین، تونی، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه روبرت آسریان، چاپ چهارم، تهران، فرزانه‌روز، ۱۳۹۰.
- ناردو، دان، *پیدایش مسیحیت*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران، ققنوس، ۱۳۸۵.
- هاروی، کاکس، مسیحیت، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸.
- Augustine, *De haeresibus*, Washington, Catholic University of America Press, 1956.
- Bauer, Walter, *Orthodoxy and Heresy in Earliest Christianity*, Translated by R. A. Kraft and G. Krodel, Philadelphia, Fortress, 1971.
- Behr, John, *Irenaeus of Lyons: Identifying Christianity*, OUP Oxford, 2013.
- Bets, Hans Dieter; Browning, Don; Jüngel, Eberhard; Janowski, Bernd; *Religion Past & present*, Boston, Brill, 2010, Vol. 8.
- Brown, Harold O.J., *Heresies: Heresy and Orthodoxy in the History of the Church*, Peabody, MA, Hendrickson Publishers, 1998.
- Brown, Peter, *The World of Late Antiquity: AD 150-750*, New York, W. W. Norton & Company, 1989.
- Bruce, Frederick F., *The Spreading Flame: The Rise and Progress of Christianity from its First Beginnings to the Conversion of the English*, Exeter, Paternoster, 1964.
- Cross, Frank L.; Livingstone, Elizabeth A., eds., "Heresy" In *The Oxford Dictionary of the Christian Church*, third Edition, Oxford, Oxford University Press, 1997.
- Decker, Rodney J., "The Bauer Thesis: An Overview", In *Orthodoxy and Heresy in Early Christian Contexts*, Paul A. Hartog ed., James Clarke & Co, 2015.
- Dunn, James D.G., *Unity and Diversity in the New Testament: An Inquiry into the Character of Early Christianity*, Philadelphia: Westminster Press, 1977.
- Ehler, Sidney Z.; Morrall, John B., *Church and State Through the Centuries: A Collection of Historic Documents with Commentaries*, Biblio & Tannen, 1967.
- Ehrman, Bart D., *Lost Christianities*, New York, Oxford University Press, 2003.
- Esler, Philip F., *The Early Christian World*, Routledge, 2004.
- Eusebius, *Ecclesiastical History*, In *Roman Civilization*, Naphtali, Lewis; Meyer, Reinhold, Columbia University, 1990.
- Flora, Jerry, "A Critical Analysis of Walter Bauer's Theory of Early Christian Orthodoxy and Heresy", ThD diss., The Southern Baptist Theological Seminary, 1972.
- Frances, Margaret Y., *The Cambridge History of Christianity Volume 1: Origins to Constantine*, Cambridge University Press, 2006.
- Freeman, Charles, *The World of the Roman*, New York, Oxford University press,

- 1993.
- Friend, William H.C., *The Rise of Christianity*, Philadelphia, Fortress Press, 1984.
  - Gibbon, Edward, *The Decline and Fall of the Roman Empire*, Naxos Audio Books, 2014, Vol. 2.
  - Gonzalez, Justo L., *Story of Christianity*, New York, HarperCollins, 2014, Vol. 1.
  - Grant, Michael, *History of Rome*, New York, History Book Club, 1997.
  - Gregory, Andrew, Tuckett, Christopher, eds., *The Oxford Handbook of Early Christian Apocrypha*, Oxford University Press, 2015.
  - Harr, Stephen, *Simon Magus: The First Gnostic?*, de Gruyter, 2003.
  - Henn, William, "Orthodox", In *The New Dictionary of Theology*, edited by Joseph A. Komonchak et al., Wilmington, Glazier, 1987.
  - Hunt, Emily J., *Christianity in the Second Century: The Case of Tatian*, Routledge, 2003.
  - Ignatius, In *The Apostolic fathers*, Philip Schaff (ed.), Christian Classics Ethereal Library, 1885, Vol. 1.
  - Irenaeus, *Against Heresies*, Translated by Alexander Roberts, In *The Apostolic fathers*, Philip Schaff (ed.), Christian Classics Ethereal Library, 1885, Vol. 1.
  - Justin Martyr, *First Apology*, In *The Apostolic fathers*, Philip Schaff (ed.), Christian Classics Ethereal Library, 1885, Vol. 1.
  - Origen, *The Song of Songs: Commentary and Homilies*, Translated by R. P. Lawson, Newman Press, 1957, Book 3.
  - Quispel, Gilles, "Gnosticism from Its Origins to the Middle Ages", In *Encyclopedia of religion*, NY Macmillan, 1987, Vol. 5.
  - Robinson, James M., *The Nag Hammadi Library*, Third Edition, San Francisco, Harper One, 1990.
  - -----, Koester, H., *Trajectories Through Early Christianity*, Philadelphia: Fortress Press, 1971.
  - Robinson, Thomas A., "Heresy: Christian Concepts", In *Encyclopedia of Religion*, Jones, Lindsay (ed.), MacMillan, 2005, Vol. 6.
  - Royalty, Robert M., *The Origin of Heresy: A History of Discourse in Second Temple Judaism and Early Christianity*, Routledge, 2013.
  - Rudolph, Kurt, *Gnosis: The Nature & History of Gnosticism*, Translated by Robert McLachlan Wilson, Harper San Francisco, 1987.
  - Saint John of Damascus, *The Fount of Knowledge*, In *The Philosophical Chapters, on Heresies, the Orthodox Faith (The Fathers of the Church, Vol. 37)*, Translated by Frederic H. Chase Jr., CreateSpace Independent Publishing Platform, 2012.
  - Schleiermacher, Friedrich D. E., *The Christian Faith*, New York, Harper Torchbooks, 1963, Vol. 1.
  - Star, Chester G., *A History of the Ancient World*, New York: Oxford University Press, 1991.
  - Tertullian, *The Prescription Against Heretics*, Translated by Peter Holmes, In *The Apostolic fathers*, Philip Schaff (ed.), Christian Classics Ethereal Library, 1885, Vol. 3.
  - Turner, Huge, *The Pattern of Christian Truth: A Study in the Relations between Orthodoxy and Heresy in the Early Church*, London: A.R. Mowbray & Co. Ltd, 1954.